

## یادداشت



اکبر راشدین

رییس و کارشناس ارشد روابط عمومی  
مدیریت در مان استان زنجان

## روابط عمومی‌ها فضای مجازی و بحران کرونا

اینترنت پدیده‌ای است که بر پایه ایدئولوژی جهانی شدن، محدودیت‌های زمانی و مکانی را از پیش پای ارتباطات برداشته و از این رهگذر مدل متعالی و بی‌بدیلی موسوم به فضای مجازی برای نوعی زندگی و فعالیت جدید اجتماعی، نمایان کرده‌است.

به عبارتی، فناوری نوین ارتباطی، فضا و قواعد خاص خود را به مرور بر مناسبات ارتباطی مسلط کرده تا جایی که حتی ساختار و چیدمان پیام، نحوه برجسته‌سازی و نیز ارائه پیام را دگرگون کرده‌است.

حوزه روابط عمومی نیز به عنوان مجموعه‌ای با ماهیت ارتباطی نه‌تنها از این تغییرات دور نیست، بلکه برای بقا و بالندگی سازمان خود، بیش از سایرین نیازمند یادگیری قواعد حاکم بر این فضا برای حضور پررنگ و استفاده مطلوب از مزایای آن در جهت تامین خواست‌های سازمان و اقلان جامعه و مخاطبان خویش است.

در این بین همگی بر این باوریم که بخش‌های مختلف یک جامعه در عصر اطلاعات در بستر شبکه و فضای مجازی به یکدیگر متصلند و هندسه افکار عمومی متأثر از کنشگری و حضور مخاطبان است و اصحاب رسانه و مجموعه روابط عمومی‌ها، شبکه‌هایی همچون شبکه عصبی پیکره جامعه اطلاعاتی هستند.

تکنولوژی‌های نوین ارتباطی تأثیرات بسیار زیادی در نحوه انتقال پیام در درون و برون کشورها و دنیا ایجاد کرده و بهره‌مندی از دانش روز، به‌ویژه در بخش (IT)، در فرهنگ سازمانی روابط عمومی از نقش ارزنده‌ای برخوردار است.

در هنگام بروز بحران، مقابله لازم با شایعات و ابهامات خبری که این روزها به‌شدت توسط رسانه‌های ناهمسو با منافع کشور مطرح است به منظور رفع ناامنی روانی با تصمیم‌گیری‌های سریع و از قبل پیش‌بینی شده باید انجام پذیرد. بنابراین روابط عمومی‌ها وظیفه دارند در شرایط بحرانی با برنامه‌ریزی‌های قبلی و تشکیل کمیته رسانه بحران به عنوان مدیریت‌کننده تولید پیام و هماهنگ‌کننده ارتباطات درون و برون سازمانی و همچنین کمک به انجام وظایف و مسئولیت‌های خبرنگاران و رسانه‌ها در گردآوری، پردازش و توزیع اطلاعات خبری به حل بحران در جامعه کمک شایانی کنند. قطعاً وقتی ابهام در زمینه یک موضوع خاص، بالا و اهمیت زیادی نیز در همان موضوع خاص وجود داشته باشد، شایعه شکل می‌گیرد و وقتی که یک موضوع همه جامعه را درگیر و هیچ‌کس نتواند نسبت به آن احساس امنیت یا جدایی کند، اهمیت آن موضوع اوج می‌گیرد.

ادامه در صفحه ۷

ابوالفضل جلیلی، کارگردان سینما در گفت‌وگو با آتیه‌نو:

# همیشه آرزو داشتم خبرنگار باشم

کار برای اطلاع‌رسانی دقیق و صادقانه دشوار است



## گفت‌وگو

این کارگردان، فیلمنامه‌نویس و تدوینگر در سازه به دنیا آمده‌است. کارنامه‌اش پر از فیلم‌هایی است که در جشنواره‌های مختلف خارجی جوایز گوناگونی را از آن خود کرده اما جالب است بدانید حدود ۱۵ فیلم به کارگردانی او تا امروز مجوز اکران عمومی را در ایران دریافت نکرده‌اند. او یکی از معدود هنرمندان حاضر کشور مان در عرصه سینماست که جامعه را به معنای واقعی کلمه و نه دستمایه‌ای برای بلوا به پا کردن در آثارش مورد توجه قرار می‌دهد و تمرکزش در فیلم‌هایش بیشتر روی مسائلی مربوط به نوجوان است. گال، رقص خاک، دت یعنی دختر، دان، قصه‌های کیش (یک اپیزودش را او کارگردانی کرده)، دلبران، ابجد، گل یا پوچ و حافظ، بخشی از آثاری است که این سینماگر ایرانی در کارنامه خود دارد. ابوالفضل جلیلی که امسال وارد شصت‌وسومین سال زندگی خودش شده، از جمله فعالان عرصه سینماست که همواره به اهالی رسانه ارتباط نزدیکی داشته و در طول سال‌های فعالیتش همواره حضور به عنوان یک روزنامه‌نگار را از جمله آرزوهای بیان کرده که از کودکی به دنبالش بوده‌است. با این کارگردان و نویسنده ایرانی به پهنانه هفته روابط عمومی گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در ادامه می‌خوانید:

صادق و البته ساده و همین طور آدم‌های نان به نرخ روز خود و چشم به راه ورزش باد را هم اشاره کرد.

**شما تفاوت میان اهالی رسانه را متأثر از رسانه‌هایی که این افراد در آن مشغول به کار هستند می‌دانید یا برآمده از عناصر و ویژگی‌های وجودی خودشان؟**

در این بخش از گفت‌وگو باید به تفاوت برخی رسانه‌ها و نه اهالی رسانه، با هم اشاره کنم. در برخی از رسانه‌ها تلاش می‌شود تا با همه محدودیت‌های موجود تا حد ممکن به حقیقت پی ببرند و تا آنجایی که میسر است حجاب‌ها را کنار بزنند تا به اصل مطلب دست پیدا کنند. به همین خاطر هم هست که گزارش‌های برخی از اهالی رسانه می‌تواند با وجود گسترش روزافزون فضای مجازی در کشور مان جریان‌سازی کند و اتفاقات مهمی را رقم بزند. در چنین گزارش‌هایی معمولاً به نظرات یک نفر یا یک جریان خاص بسنده نمی‌شود و کسی که دارد آن مطلب را آماده می‌کند از چند نظرگاه به آن می‌نگرد تا بتواند محصولی را پیش چشم مخاطب قرار دهد که از نگاه او هم منصفانه و البته نزدیک به حقیقت جلوه کند. در مقابل برخی از رسانه‌ها در این روزگار از پیش نتیجه‌خودشان را درباره افراد و اتفاقات گرفته و به همین خاطر هم حتی در گزینش آدم‌هایی که بناسط نظرات آنها را برای آماده کردن گزارش، بپرسند، فیلترگذاری می‌کنند. این قبیل افراد اگر در میانه راه با نظری مخالف دیدگاه خود روبه‌رو شوند به خودشان اجازه می‌دهند که حتی سخنان برخی از افرادی که با آنها درباره سوزده مورد نظر گفت‌وگو کرده‌اند، سانسور کنند و گاهی روی نام این آدم‌ها خط قرمز بکشند. همه این کارها هم تنها با یک هدف انجام می‌شود؛ رسیدن به نتیجه‌ای که مدیر رسانه یا بالادستی‌های او دوست دارند. به همین خاطر به گمان من بخش عمده‌ای از کج‌روی یا لااقل عقیم بودن اهالی رسانه را باید در ذات رسانه‌ای که آنها در آن مشغول به کار هستند، جست‌وجو کنید و در وهله بعد به ابعاد شخصی آن فرد برسید.

اساسی و پیگیری مطالبات جدی مردم از جمله کارهایی است که در این روزگار تنها از سوی رسانه‌های واقعی دنبال می‌شود و کسانی که ادعای روشنفکری و دغدغه‌مندی آن را دارند باید از این رسانه‌ها معنون و سپاسگزار باشند. البته متأسفانه امروز بنگاه‌هایی با نام جعلی رسانه هم مشغول فعالیت هستند که در حقیقت خودشان را زیر بلیت احزاب، جناح‌ها یا اشخاص برده و از نگاه برخی از دغدغه‌مندان حوزه رسانه‌ای مایه بدنامی این صنف شده‌اند، اما همواره در طول تاریخ کم نبوده‌اند اشخاص نامحترمی که با حضورشان در میان طبقات و گروه‌های مختلف باعث شده‌اند علیه آن گروه یا طبقه حرف و حدیث‌هایی پیش بیاورد، اما من معتقدم هر انسانی که در فضا و عرصه‌ای باید کاری را که عقلت می‌گوید درست است انجام دهد و بیم بدنامی به‌واسطه کار دیگری را نداشته باشد. از وقتی برخی از رسانه‌ها در کشور ما به عنوان تریبونی برای احزاب و جناح‌های سیاسی معرفی شدند، گاهی برخی شروع به کتمان حقیقت کردند و این کتمان از نگاه عده‌ای به نام همه‌اهالی رسانه نوشته شد، در حالی که چنین برداشتی به‌زعم من واقعاً اشتباه است.

**از نگاه ابوالفضل جلیلی آیا اهالی رسانه در روزگار کنونی می‌توانند در بهتر شدن زندگی مردم اثرگذار باشند؟**

همان‌طور که ممکن است برخی از اهالی هنر آثار بی‌ارزش و غیرقابل قبولی را تولید کنند، برخی از اهالی رسانه هم ممکن است از نظر کیفی و البته وجدانی در زمینه فعالیت خودشان به نیکی گام برندارند. در این فرصت باید به تأثیرگذاری اهالی رسانه به‌طور کلی اشاره کرد. هم کس که به خوبی در این زمینه کار می‌کند و هم آن کسی که در این مسیر قدم‌های دوست‌ناداشتی برمی‌دارد، هر دو در یک ویژگی با هم اشتراک دارند که آن تأثیرگذاری است. به همین خاطر هم هست که در ابتدای سخنانم توضیح دادم صنف رسانه دو دسته اصلی قلم به مزد و مستقل دارد. البته به این دو دسته می‌توان آدم‌هایی

با کیفیت تولید کنند و فرق میان یک آدم متخصص در این حوزه با کسانی که از این تخصص سردر نمی‌آورند، مشخص شود. البته با اینکه اکنون فضای مجازی به عنوان یک رقیب به میدان وارد شده و دارد با رسانه‌های حرفه‌ای گلاویز می‌شود، موافقم و به دوستان رسانه‌ای توصیه می‌کنم با تولید محتوای متفاوت و البته با کیفیت نگذارند فعالیت آنها در حاشیه قرار گیرد. در این مجال خوب است قدر دان دوستانی که دارند در فضای رسانه کار می‌کنند و اخبار مختلف حوزه فرهنگ و هنر را پیش گوش و چشم مردم مخاطبان قرار می‌دهند، باشم و بگویم بسیاری از کسانی که دارند در عرصه فرهنگ و هنر کار می‌کنند، مدیون آنها هستند. این نکته را هم باید یادآوری کنم که فعالان رسانه‌ای مستقل که به حزب و جریان و نهاد و شخصی وصل نیستند، همچنین روزنامه‌نگاری که به جایی متصل نیست و هدیه دریافت نمی‌کند، زندگی خیلی سختی خواهد داشت. تنش و ترس از فردا حکایت حال این گروه است و من را واقعا ناراحت می‌کند. امیدوارم این اوضاع تغییر کند و حال روز اهالی واقعی رسانه بسامان شود. در کشور ما گاهی محدودیت‌های اجتماعی و بی‌سوادی عمیقی که گاه در بین افراد جامعه جریان و وجود دارد، کار برای اطلاع‌رسانی دقیق و صادقانه بسیار مشکل کرده اما اهالی رسانه همواره نشان داده‌اند که در مسیر خبررسانی حرفه‌ای همواره کوشیده‌اند و تلاش کرده‌اند تا طیف‌های مختلف جامعه ایران را به عنوان مخاطبان واقعی خود در نظر گیرند.

**به باور شما در دوران کنونی و با توجه به اینکه حجم اخبار منتشرشده در فضای مجازی و البته فضای رسمی در مقایسه با مثلاً ۱۰ سال قبل به هیچ عنوان قابل مقایسه نیست، وظیفه اهالی رسانه در روزگار حاضر چیست؟**

در این مجال خوب است که به نگاه فداکارانه اهالی واقعی رسانه‌ها در ایران اشاره‌ای داشته باشم. آنان مدام در تلاشند تا کاری کنند تا زندگی مردمان‌شان هر روز از روز گذشته بهتر شود. طرح سوالات

**بین فعالان این عرصه تفاوت قائل می‌شوید؟**

در کشور ما فعالان رسانه‌ای را می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم‌بندی کرد؛ گروهی که نورچشمی مسئولان هستند، در همه سفرهای داخلی و خارجی با آنها همراه هستند، دست به دست از این و آن هدیه می‌گیرند و به آنها سرویس‌های مختلفی داده می‌شود. دسته دوم فعالان در حوزه رسانه کسانی هستند که در اصطلاح به آنها آدم‌های مستقل گفته می‌شود. این دسته از فعالان حوزه رسانه هیچ‌وقت از امنیت شغلی برخوردار نیستند و دم‌به‌دم با مشکلات مالی و اضطراب و تنش حاصل از آن درگیری دارند. من به عنوان کسی از ابتدای زندگی به فعالیت با خودم فکر می‌کردم روزی باید بدل به یک فعال رسانه‌ای شوم که بتواند بدون هیچ مانعی وارد مجلس شود یا به کاخ ریاست‌جمهوری برود و هر پرسشی را در ذهن دارد و گمان می‌کند می‌تواند برای بهتر شدن زندگی مردم کارساز باشد، مطرح کند. البته تا اینجای کار می‌تواند بسیار ایده‌آل به نظر برسد اما از اینجا به بعد اتفاقی دیگری هم باید بیفتد که در دوران کنونی بیشتر شبیه به یک رویا می‌ماند، اینکه یک اهل رسانه بتواند بدون هیچ سانسوری پاسخ پرسش‌ها را منتشر کند.

**از نگاه شما آیا امروز کسی می‌تواند ادعا کند که در رسانه‌ای تحت هدایت او یا با حضورش چنین رویه‌ای حکمفرماست؟**

البته این مایه تأسف است که در کشور ما هیچگاه بستر پرورش چنین شخصی فراهم نبوده و اگر تصور کنیم چنین شخصی به شکل خودساخته هم پرورش پیدا کرده، در عمل امکان فعالیت‌اش در مملکت ما تقریباً به عددی حدود صفر نزدیک است.

**آیا شما همه اهالی رسانه را در یک دسته و طبقه قرار می‌دهید یا**

**تا آنجا که می‌دانم شما به اهالی رسانه علاقه‌مند هستید و این علاقه‌مندی را در گفت‌وگوهای مختلف ابراز کرده‌اید. چه دلیلی باعث شده مهر این صنف در دل شما بیفتد؟**

گمان می‌کنم من جزو اندک افرادی در میان فیلمسازان ایران هستم که در طول دوران زندگی همیشه آرزو داشتم خبرنگار باشم و حتی فعالیت در این شغل برایم بیشتر از فیلمسازی ارجحیت داشت، خوب به خاطر دارم که در دوران کودکی با اوریانا فالاجی خبرنگار شهیر ایتالیایی آشنا شدم و از همان زمان به بعد مدام با خودم می‌گفتم چقدر خوب می‌شود اگر روزی من هم بتوانم فالاجی ایران باشم. البته این نکته را باید یادآوری کنم که دید من نسبت به فعالیت در رسانه در آن دوران با آنچه امروز از فعالیت رسانه‌ای در کشور ما باب شده، تفاوت‌های بسیاری داشت. از همان دوران کودکی با خودم فکر می‌کردم روزی باید بدل به یک فعال رسانه‌ای شوم که بتواند بدون هیچ مانعی وارد مجلس شود یا به کاخ ریاست‌جمهوری برود و هر پرسشی را در ذهن دارد و گمان می‌کند می‌تواند برای بهتر شدن زندگی مردم کارساز باشد، مطرح کند. البته تا اینجای کار می‌تواند بسیار ایده‌آل به نظر برسد اما از اینجا به بعد اتفاقی دیگری هم باید بیفتد که در دوران کنونی بیشتر شبیه به یک رویا می‌ماند، اینکه یک اهل رسانه بتواند بدون هیچ سانسوری پاسخ پرسش‌ها را منتشر کند.

**آیا شما همه اهالی رسانه را در یک دسته و طبقه قرار می‌دهید یا**



علی نامجو

روزنامه‌نگار

**در کشور ما فعالان رسانه‌ای را می‌توان به دو دسته اصلی تقسیم‌بندی کرد؛ گروهی که نورچشمی مسئولان هستند، در همه سفرهای داخلی و خارجی با آنها همراه هستند، دست به دست از این و آن هدیه می‌گیرند و به آنها سرویس‌های مختلفی داده می‌شود. دسته دوم فعالان در حوزه رسانه کسانی هستند که در اصطلاح به آنها آدم‌های مستقل گفته می‌شود.**